لزوم بازنگری در تأسیس قواعد مخالف نص

از چیزهایی که در خاطرات طلبگی من قاصر الذهن هست، این است که واقعاً یک مدتی حسابی به شک افتادم. این بود که به مواضعی میرسیدم و میگفتند قاعده این است. نص، خلاف قاعده است و نقتصر علی موردہ. این را دیدهاید؛ خیلی پیش میآید. مواردی بود، وقتی بیشتر تأمل شد، وقتی دو-سه مورد هم واضح شد، دیگر به شک میافتیم. میدیدیم اتفاقا برعکس است. آن چه که نص میگوید، موافق قاعده است؛ بلکه قاعدهای که ما در کلاس درست کردهایم مطابق قاعده نیست. این خیلی جالب است که آدم لمس کند. خب چرا میگوییم نص خلاف قاعده است؟! نص خلاف قاعده یعنی مئونه تعبدی دارد میبرد. و حال آنکه در بسیاری از موارد وقتی به نص توجه میکنیم، میبینیم العقل العقلاء دارد میگوید. نخواستهٔ بگوید من هستم که میگویم؛ خلاف قاعده هم هست، خب باشد. چون مولی هستم. نه، بلکه میگوید اگر من در نظر شما خلاف قاعدهای میگویم چون العقل هستم. اینکه العقل هستم یعنی اگر شما هم به آن فکر کنید میبینید همینی که من میگویم در محلش هست. نمیگوید نقتصر علی موردہ و... .

باید خودتان به این برسید. این از آن هایی است که من عرض حال کردم. اگر شما چندین مورد با این برخورد کنید میفهمید که من چه عرض میکنم. در ذهنیت طلبگی من این پیش آمد. و لذا سائر مواردیکه میگویند نص خلاف قاعده است، ما حساس میشدیم که فکر کنیم و ببینیم آن قاعده از کجا آمده است. چرا ما این را گفتیم؟ چرا میگوییم قاعده این است. آیا قاعده این هست یا نیست؟ تأسیس قاعده و اصل روی مبنای خودش بوده یا نه.

الآن در اینجا اینچنین است. او میگوید «لایجزی». من عبارت مرحوم شیخ را بخوانم:

> **فظهر من ذلك أنّ المركوز في أذهان العقلاء: عدم كفاية ما دون به غير الفرض عن الفرض، و أنّ الحكم بالإجزاء في يوم الشك شيء ورد به التعبّد، فقوله (عليه السلام): «يوم وفّق له» يراد: التوفيق له من حيث رضا الشارع ببدليّته عن الفرض، و خصوص المرسلة المعلّلة ..**
>
> **إلى آخر ما ورد في المتن[1]**

«فظهر من ذلك أنّ المركوز في أذهان العقلاء: عدم كفاية ما دون به غير الفرض عن الفرض»؛ مثلاً وا نیت ماه شعبان کرده، نمیتواند از ماه مبارک باشد. **«و أنّ الحكم بالإجزاء في يوم الشك شيء ورد به التعبّد»؛** من با این «تعبد» کار داشتم. از آن وقت تا حالا هم برای همین خواندم. تعبد یعنی چه؟ یعنی «وقف»ای است که پشتوانهٔ آن انشاء شارع است. فضل شارع است، تعبد شارع است. چون شارع تعبدا این بدل را از ما پذیرفته، میگوییم «وقف». نه صرف انطباق قهری به اینکه این ماه مبارک باشد. این اجزاء نه بهخاطر انطباق قهری است، بلکه

«أنّ الحكم بالإجزاء في يوم الشك شيء ورد به التعبّد بتفضل الله».

شاگرد: این را در یوم الشک می‌گویند یا آن جایی که برای خصوص شعبان نیت کرده؟ حتی می‌گویند یوم الشک هم خلاف ارتکاز است؟

استاد: بله، ببینید یوم الشک بوده و او فرض نیت ماه شعبان کرده؛ خودشان هم فرمودند:«اجماعا، نصا و فتوا». قبلاً عرض کردم که اجماعش بسیار قوی بود. فرمودند «به یخرج عن قاعدة اجزاء المندوب عن الواجب مع الختلاف حقیقتهما». قبلش هم گفتند «تفضل»است. «ولو نواها مندوبا اجزأ بتفضل الله»، نه به‌خاطر این‌که مندوب است. لذا عرض کردم این جمله آخر، خلاصه دو-سه صفحه قبلش است.

> 40:58

شاگرد: می‌خواستم بگویم مندوب، می‌تواند دو نوع مستحب باشد، یکی از حیث این‌که شعبان است و نیت شعبان می‌کنم و بعد معلوم می‌شود که رمضان بوده. یکی هم این است که مستحب است که صوم یوم الشک را روزه بگیری. ولی نیت قطعی نکنی. می‌گویی من روزه می‌گیرم هر کدام بود. ایشان کدام را می‌گویند؟

استاد: عبارت ارشاد این است: لایجوز صوم یوم الشک بنیة رمضان، ولا بنیة الوجوب علی تقدیر الوجوب، و الندب ان لم یکن. بعد می‌گویند «ولو نواها مندوبا»؛ همان یوم الشک است. یعنی نه تردید انداخت و نه نیت ماه مبارک کرد. همانی که مورد اجماع است. «ولو نواه مندوبا اجزأ»؛ اجزائی است که روایات «وفق» می‌گوید یعنی ماه مبارک را گرفته‌ای. اما ایشان می‌گویند نه، یعنی ماه مبارک را روزه نگرفته‌ای، بتفضل الله تعالی این جای مأمور به و ماه مبارک است. «بتفضل الله کما فی الروایة و به یخرج عن قاعدة عدم اجزاء المندوب عن الواجب».

شاگرد: ظاهراً فرمودید در شیعه کسی با این تردید مشکلی ندارد، مگر مرحوم مفید. در شیعه همه قائل به استحباب شده‌اند.

استاد: نه، اجزاء را که مفید هم قبول دارد.

شاگرد: اجزاء منظورم نیست. فرمودید برخی از اهلسنت می‌گویند حرام است و برخی می‌گویند مکروه است، ولی در شیعه همه می‌گویند مستحب است. الآن در اینجا که خواندید تردید را معنا می‌کرد؟

استاد: تردید را که گفتند مجزی نیست. ببینید صحبت سر استحباب نیست که مفید را بگویید. مفید هم اجزاء را قبول دارند. این‌که مکروه را گفته‌اند، در اصل اجزاء، شریک بوده‌اند. «ولو نواه مندوبا اجزأ»؛ دیگر مجزی است.

با این حساب الآن می‌فرمایند که تعبد به آن وارد شده است.

شاگرد۲: جواب امام درست برعکس تقریری است که شیخ می‌فرمایند.

استاد: بله، حالا می‌رسیم. فعلاً به فرمایش ایشان برسیم. طوری نباشد که در تصور فرمایش ایشان کم بگذاریم و چیز دیگری بفهمیم. ببینیم مقصود شریف ایشان چیست.

«فقولہ (علیہ السلام): «یوم وفّق لہ» یراد»؛ توفیق سوم این است: **«التوفیق لہ من حیث رضا الشارع ببدلیّتہ عن الفرض»**؛ پس «وفق لہ» بہ این معنا نیست کہ ماہ مبارک موفق شد انجام بدہد، چون ماہ مبارک کہ موفق نشدہ، بلکہ «وفق» بہ رضایت شارع. این سہ تا مسألہ شد کہ مرحوم شیخ بہخاطر این سہ مسألہ از ظاہر روایات «وفق» کہ خود ماہ مبارک ہست، فاصلہ گرفتہاند.

---

[1] ہمان ۱۱۷

بازبینی #1
ایجاد شدہ 25 مہ 2026 12:18:43 توسط ... .
بہ روزرسانی شدہ 25 مہ 2026 12:27:14 توسط ... .